



محاكمه حاجي فيروز

- خودت را معرفي كن - حاج فيروز

- بگو عنوان شغلي - پيك نوروز

- ببينم!... واقعاً كه رو سياهي

گمانم يادگار عهد شاهي

- ولي رويم سياه از رنگ و دوده ست

ببخشيد از ريا كاري نبوده ست

زمان شاه بودم نيز علاف

نديدم وجهي از دربار و اوقاف

نه اهل تعزیه بودم نه روضه

نه امرد باز بودم توی حوزه

اگر بودم به مجلس مرد تنها

نکردم غش بيستم روی زنها

برای مردها از هر سلیقه
ندادم در حرم ترتیب صیغه

- چرا رخت تن ات سرخ است و خونین؟
- ندانی جامه شماری بود این؟

- اگرچه بوده بد، شمر ستمگر
درآمد داشته بهر اهل منبر
در این ایام هم آن شمر بدذات
شده خوشنامتر از جمله آیات
کجا شمر لعین اینسان لعین بود
کجا نقاش دیوار اوین بود
کجا شمر اینهمه نوباوه کشته
کجا از کشته ها می ساخته پشته؟

- چرا چون من عبا بر تن نداری؟
- نخواهم خلق را سازم فراری
- - بنه عمامه کز جرمت بکاهم
- شرف دارد بر عمامه کلاهم

ز "ارباب خودم" منظور تو کیست؟
بلر یا بوش و یا پوتین مگر نیست؟

عجب! اینها که ارباب شمایند!
مرتب در تب و تاب شمایند!

گهی در صلح و گاهی در گلایه
گهی در آفتاب و گه به سایه
شما را تا بود محراب و منبر
چرا ارباب من باشند و یاور؟
مرتب تا به آنها میرسد نفت
چه غم دارند که بر ملت چها رفت!

- پرسوخته زیادی میزنی حرف
- ندارد حرفهایم ظاهراً صرف

- چه شخصی مرجع تقلیدتان است؟

- اخیراً مدد خردادیان است

- چرا قر میدهی توی خیابان؟

نباشم اهل قردادن به پنهان

- چرا داریه زنگی در کف ات هست؟

- بده حکمی ببرندم دو تا دست!

- چرا آواز میخوانی مرتب؟

بده حکمی بدوزندم دو تالب

- چرا هی میروی اینجا و آنجا؟

بده حکمی به قطع هر دو تا پا

ندارم مسجد و محراب و دگان

همی قر می دم توی خیابان

- بیا بگذر ز شغل حاج فیروز
اورانیوم غنی کردن بیاموز!

اگر روزی به دست آرم اتم را
زنم تنها با آن آخوند قم را!
هاهاها... شوخی است این جان قاضی
برام دستک و دنبک را نسازی
من و آدمکشی ای خاک عالم
نه بر آخوند خواهم زد نه آدم
من از جنگ و اتم اندر فغانم
اورانیوم غنی کردن ندانم
همین عیدانه از مردم که گیرم
خودش تأمین کند نان و پنیرم
- کمی از آن پنیرت هم به ما ده
ولیکن سهم رهبر را جدا ده
- درآمد خوب داری؟ - شکر ایزد
بده پس سهم ما از آن درآمد!
اگر خواهی ز ما حکم برائت
بکن از آنچه می گویم اطاعت!

مواظب باش که وقتی میدهی قر
نمالد باسنت بر فقه حاضر

به وقت دیم دیریم ریم، دام دارام رام
نگیره داریه زنگت به اسلام

هر آنچه در خیابان درمیاری
همه را شب به شب اینجا بیاری!
پس از کسر سه چارم سهم رهبر
و یک چهارم من و آیات دیگر

هر آنچه ماند باقی، سهم سرکار
برو شکر خدا کن، حق نگهدار!

ببینم! حضرت قاضی خوش فهم
قرش را من بدم رهبر برد سهم؟
مگر رهبر خودش باسن ندارد؟
شنیدم هیچ کم از من ندارد!
نمیدانی که ایشان توی حوزه
چه میکرده پس از پایان روضه؟
داراخ راخ راخ داراخ دمبکی رو باش
آقا سید علی عینکی رو باش

خفه شو متهم. دادگاهه اینجا
خیال کردی زمان شاه اینجا؟
ادای رهبری را درمیاری؟
حیا و شرم و این چیزا نداری؟

"- - داراخ راخ راخ داراخ رهبری رو باش
- آقا سید علی منبری رو باش

- برو تو کوک اون پیپ و سه تارش
- عجب قری میده درسته کارش ..."-
رئیس دادگاه برای اعدام متهم 5 دقیقه تنفس اعلام کرد

<http://www.asgharagha.com>

بازگشت به برگ نخست >> <http://www.iranbanan.com>

پاینده ایران - پایدار و سرافراز باد ایرانبانان